

صلح و امنیت بین الملل و تغییرات اقلیمی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

دکتر حمید علیخانی^۱

دکتری حقوق بین الملل

چکیده

در سال های اخیر پدیده تغییرات آب و هوایی و تأثیرات آن عامل تولید یا تشدید بحران ها بوده است. سیل مهاجرانی که خانه و زندگی خود را بر اثر بلایای طبیعی مرتبط با تغییرات آب و هوایی از دست داده اند، افزایش یافته است. تغییرات آب و هوایی می تواند به اندازه جنگ ها و حتی بیش از آن امنیت جهان را به خطر بیندازد. تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از مهمترین و پیچیده ترین چالش های بین المللی در عصر جهانی شدن است. این تغییرات کوچک در دمای زمین می تواند منجر به خطرات بالقوهای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. زندگی ما امروزه به تغییرات اقلیمی بستگی دارد. در صحنه بین الملل به مرور آثار این تهدیدات در روابط بین کشورها مشاهده می شود. این تهدیدات علاوه بر بروز تنش های اجتماعی، نا آرامی های سیاسی و مخاصمات خشونت آمیز را نیز به دنبال خواهد داشت. این موضوع فراتر از دستور کارهای بین المللی در قالب کنوانسیون چارچوبی سازمان ملل متحد و پی گیری های شخص دبیرکل و بررسی های هیئت بین الدولی تغییرات اقلیمی در شورای امنیت به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین الملل شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی اثرات تغییرات اقلیمی بر صلح و امنیت بین الملل به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته است.

واژگان کلیدی: صلح، امنیت بین الملل، تغییرات اقلیمی

¹ Hamid.Alixani@gmail.com



بخش اول: طرح مسئله (اهمیت و ضرورت)

تغییرات آب و هوایی مسئله‌ای است که عموم بشریت را تحت تاثیر قرار داده است و بازیگران مختلف جهانی در این مسئله، با یک موضوع مشترک و دغدغه مشترک مواجه هستند. از این رو طی سال‌های گوناگون زمینه‌های علمی و هنجاری برای ایجاد قواعد صریح فراهم گردید. از این رو اولین پروتکل رسمی با نام پیمان کیوتو به امضا رسید و با ناکارآمدی‌ها و پایان پیمان کیوتو، کشورهای متعهد به کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، به سمت توافق پاریس حرکت کردند. تغییرات اقلیمی نیز مسئله‌ای که با نظم جهانی سروکار دارد و به صورت طبیعی به قدرتمند شدن یا کاهش قدرت و یا نابودی برخی کشورها می‌انجامد. چه بسا با بالا آمدن سطح اقیانوس‌ها، انگلستان به زیر آب رود. از این رو این مسئله همچون بمب اتم، تهدیدی برای بشریت است و مورد دغدغه مردم، دانشمندان و... خواهد بود و از سوی دیگر ظرفیت ایجاد رژیم بین‌المللی را دارد. اگر هدف کلی قدرت‌های مسلط و تاثیرگذار، حفظ نظم موجود و حفظ جایگاه خویش باشد، با ایجاد تغییرات آب و هوایی، لزوم برخورد مناسب و بدون هرج و مرج و از هم گسیخته با این رویداد نیاز است. از این رو ایجاد یک رژیم زیست محیطی، مسئله‌ای غیرقابل انکار است. به طور کلی رژیم‌ها باعث می‌شوند که هزینه‌ها بین دولت‌ها تقسیم شود، رژیم‌ها، دیپلماسی را سهل کرده و ایجاد نظم می‌کنند از این رو ایجاد یک رژیم برای حفظ نظم موجود و هدایت تغییرات برای کشورهای قدرتمند لازم است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵: ۶). اگر چه مشکل تغییرات اقلیمی در اوایل قرن نوزدهم مشخص شد، اما تا زمان برگزاری اولین کنفرانس جهانی اقلیم، که در سال ۱۹۷۹ برگزار شد این موضوع در برنامه علمی و سیاسی بین‌المللی ظاهر نشد و تنها در سال ۱۹۹۲، چارچوب کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (UNFCCC) با اجلاس سران جهانی در ریو، یک ابزار بین‌المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی را ارائه دادند و در ادامه آن کنفرانس جهانی تغییر اقلیم در پاریس و مراکش در سال ۲۰۱۵ میلادی با حضور صدها نفر از روسای جمهوری یا معاونین آن‌ها برنامه‌های جامعی را برای سازگاری با تغییر



اقلیم ارائه دادند. نتایج مطالعات در سال‌های اخیر تأکید جدیدی بر سازگاری داشته و تأیید کرده است که اقدامات بیشتر و گسترده‌تر از سوی دولت‌ها (از سطح محلی تا سطح ملی) برای مقابله با تغییرات اقلیمی موجود ضروری است. طبق گزارش هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم (۲۰۱۴)، سطح اطمینان متوسطی وجود دارد که اگر درجه حرارت به ۲ درجه سانتی‌گراد یا بالاتر از سطح اواخر قرن بیستم برسد، بدون سازگار، تولید محصولات اصلی جهان (گندم، برنج و ذرت) در مناطق حاره و مناطق معتدل تحت تأثیر منفی قرار خواهد گرفت، فائو (۲۰۱۲) محاسبه کرده است که تولید مواد غذایی جهانی تا اواسط قرن حاضر باید تقریباً ۶۰ درصد افزایش یابد تا امنیت غذایی را برای ۳ میلیارد نفر دیگر تأمین کند. بنابراین زمان به نفع ما نیست (حسینی و رضانی بونش، ۱۳۹۷: ۲-۳) **در ارتباط با ضرورت تحقیق** آنچه نگارنده را به تحقیق در مورد این موضوع علاقمند نمود، آگاهی از این امر بود که تغییرات آب و هوایی از مسائل و نگرانی‌های مهم و خطیر جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود و آثار خطرناک آن بر حیات بشر تقریباً تمامی جوانب زندگی بشر را در بر می‌گیرد و امنیت بین‌المللی را به طور جدی تهدید می‌کند. در این وضعیت، از شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، انتظار می‌رود که در جهت پیشگیری و مقابله با این تهدیدها صرفاً نظاره گر نباشد و اقدامات لازم را به عمل آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

بخش دوم: سوالات پژوهش

- 1- آیا تغییرات آب و هوایی می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید و به تبع آن امنیت انسانی را در معرض چالش و مخاطره قرار دهد. اگر چنین است سازکارهای حقوق بین‌الملل در مقابله با این تهدید کدام است؟
- 2- شورای امنیت در مقابله با تهدیدهای امنیتی ناشی از تغییر اقلیم چه اقداماتی را انجام داده است؟



بخش سوم: فرضیه پژوهش

1- تغییرات آب و هوایی علاوه بر اینکه صلح و امنیت انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد پیامدهای نامطلوبی نیز بر زندگی بشر دارد.

2- مطالعه اولیه در خصوص موضوع پژوهش، موجب شکل‌گیری فرضیه زیر برای این تحقیق گردید پیامدهای امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی مداخله شورای امنیت را ایجاب می‌کند.

بخش چهارم: پیشینه پژوهش

احمد نژاد و افشنگ در (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان " نقش شورای امنیت در مقابله با تغییرات اقلیمی به مثابه تهدیدی برای صلح و امنیت بین الملل " انجام داده‌اند. پس از اینکه جامعه ملل به دلیل جنگ جهانی اول منحل شد، بشر برای دومین بار بر ویرانه‌های جنگ جهانی دیگری بنای یک سازمان بین‌المللی جهانی با صلاحیت عام را گذارد، با این امید که بتواند صلح و امنیت بین‌المللی را به ارمغان بیاورد. این سازمان برای نیل به هدف اصلی و سایر اهداف خود در پی ایجاد ارکانی برآمد، که شورای امنیت یکی از این ارکان است و اتفاقاً وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، بر عهده آن گذارده شده است. در سال‌های ابتدایی تاسیس این سازمان، صلح و امنیت بین‌المللی تنها از طریق جنگ و اقدامات نظامی مخدوش می‌شد، اما اکنون با توجه به تغییراتی که در زیست بین‌المللی صورت گرفته، مسایل دیگری نیز باعث خدشه دار شدن این مهم می‌شوند. در این تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و نظر کارشناسان، با معرفی تغییرات اقلیمی به عنوان یکی از موارد تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی، نقش شورای امنیت در مقابله با این تهدیدها بررسی می‌شود. طبق مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته، جهان کنونی به شدت درگیر چالش تغییرات اقلیمی است و از آنجا که این چالش‌ها با تهدید امنیت انسانی، صلح و امنیت بین‌المللی را نیز خدشه دار می‌کنند، شورای امنیت می‌تواند با استفاده از اختیارات خود بر طبق



منشور ملل متحد، مخاطره آمیز بودن این پدیده را برای صلح و امنیت بین المللی احراز کند و جامعه جهانی را در راستای مقابله با آنها بسیج نماید.

فاضلی و همکاران در (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان " بررسی تغییرات اقلیمی به عنوان تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت بین المللی در دوران پس از جنگ سرد " انجام داده اند. پایان جنگ سرد، فصلی نو در نگرش های امنیتی جهان گشود و بازنگری در مفهوم تهدید و امنیت را ضروری ساخت این بازنگری منجر به زایش و رشد رویکردها به امنیت بین المللی گردید که بر خصلت چند بعدی امنیت و عوامل شکل دهنده و تهدید کننده آن تأکید می کنند. در پارادایم جدید، در کنار متغیرهای نظامی و سخت افزاری، مولفه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و محیط زیستی به عنوان عواملی در نظر گرفته می شوند که می توانند به عنوان تهدیدی علیه امنیت بین المللی عمل کنند.

عسکری و خسروی در (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان " ضرورت و بایسته های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین الملل " انجام داده اند. صلح در مفهوم کلاسیک خود، به نبود جنگ تعبیر شد است که امروزه به آن صلح منفی گفته می شود. منشور ملل متحد همین گونه از صلح را ارج نهاده و مهم ترین هدف سازمان را به صراحت در بند 1 ماده 1، حفظ صلح و امنیت بین المللی قرار داده است و شورای امنیت نیز با اختیاراتی ک منظیر در جهت اعتلای این هدف مجهز شده است. از سوی دیگر، بند 3 ماده 2 منشور از کلیه اعضاء ملل متحد می خواهد که اختلافات خود را با توسل به شیوه های مسالمت آمیزی حل و فصل کنند که صلح و امنیت بین المللی و عدالت را به خطر نیفکنند. از سال 1945 و تأسیس سازمان ملل متحد به این طرف، آنچه به عنوان حقوق بین الملل مدرن در دانشگاه ها و از جمله در نظام آکادمیک ایران تدریس شده، تا حد زیادی از همین الگوی مصرح در بند 3 ماده 2 منشور نشأت گرفته و آنچه از صلح مدنظر است، غالباً همان مفهوم منفی صلح است که در زمان تعارض، بر عدالت رجحان داده شده تا تهدیدات علیه امنیت بین المللی آنها در پژوهش ضمن تأکید بر اهمیت مطالعات صلح در جهت تقویت نظام آموزش عالی حقوق بی



نالملل و حقوق بشر در ایران، با بررسی الگوهای موجود، به ارائه پیشنهادهایی در جهت ارتقاء سطح کیفی و اصلاح الگوهای آموزش صلح و مطالعات صلح در نظام دانشگاهی ایران پرداخته شده است.

طیبی و ضرابی در (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان "راهبرد های موثر مقابله با تغییرات آب و هوایی تضمین کننده صلح و امنیت بین المللی" تغییرات آب و هوایی نه تنها زیست گاه های طبیعی بلکه ترتیبات اجتماعی ما را مختل می سازد و احتمال درگیری های خشونت آمیز را افزایش می دهد. به نظر می رسد هنوز بحث برسر این مسئله مابین مقامات بین المللی زیست محیطی و جنبش های زیست محیطی وجود داشته و حل و فصل نگردیده است چرا که به عنوان یک تهدید در دستور کار قرار داشته و کماکان ادامه دارد. بررسی چارچوب تغییرات آب و هوایی که به عنوان یک تهدید امنیتی است، ضروری می نماید که به صورت مفید وارزنده به آن پردازیم و نگاه ویژه ای به آثار و عواقب ناگوار آن داشته باشیم. مسئله تغییرات آب و هوایی یکی از مهمترین چالش های حقوق بین الملل محیط زیست و یکی از تهدیدات زیست محیطی و خیم است که نسل فعلی با آن روبروست که صلح و امنیت بین المللی را با خطر مواجه ساخته و عدالت زیست محیطی را تحت تاثیر قرار داده است. این یک تهدید جدی است که توجه به آن لازم و ضروری است چراکه اوضاع و احوال کشورهای توسعه نیافته را روز به روز بدتر می کند، کشورهای در حال توسعه را با چالش های جدی مواجه می سازد و کشورهای توسعه یافته را به فعالیت های خطرناک از جمله ساخت سلاح های هسته ای و استفاده های نابجا از محیط طبیعی سوق می دهد. این مسئله برآیند بحران های جبران ناپذیری است که زندگی بشری را تحت تاثیر قرار داده و نوع بشر را از حق بر محیط زیست سالم محروم می سازد.

زنگنه (۱۳۹۲) پایان نامه ای تحت عنوان "نقش شورای امنیت در برخورد با چالش های نوین امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی" انجام داده است. اقدامات نظامی تجویز شده توسط شورا بر اساس فصل هفتم منشور، برای برخورد با چالشهای امنیتی ناشی از



تغییرات آب و هوایی به دلیل ماهیت آنها نمی‌تواند مناسب باشد. با این وجود، شورای امنیت می‌تواند نهادی را با همکاری هیأت بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی ایجاد کند و دولت‌های متخلف را شناسایی و تحریم‌هایی را نسبت به آنها اعمال کند. به نظر می‌رسد نقش تقنینی شورای امنیت هم در راستای وضع قطعنامه‌های کلی در زمینه مقابله با این نوع تهدیدها با وتوی برخی از اعضای دائم مواجه خواهد شد. اما شورا می‌تواند در کنار یک سازکار هشدار زود هنگام، نیروی آماده به اقدامی به نام کلاه سبزها را به عنوان اقدامی پیشگیرانه ایجاد نماید به منظور ایجاد امنیت و حفاظت از مناطق در نقاطی که با فجایع ناشی از تغییرات آب و هوایی روبرو می‌شود.

موسوی و سادات میر محمدی در (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان "**تغییرات جوی** : **تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی**" انجام داده‌اند. بالا آمدن سطح دریاها و وقوع توفان‌ها و سیل‌ها در آینده‌نهمندان دور، شهرها و مناطق صنعتی را که در طول سواحل چین، هند و ایالات متحده آمریکا قرار دارند تهدید خواهد کرد. ذوب یخ‌ها تأمین آب در مناطق نزدیک به کوه‌های آند و هیمالیا را دشوارتر. با توجه به این چشم‌انداز، شورای امنیت به عنوان رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی در ۱۷ آوریل ۲۰۰۷ در نشست ۵۶۶۳ خود، اولین مذاکرات خود را در خصوص رابطه انرژی، امنیت و تغییرات جوی، به درخواست انگلستان آغاز نمود که در آن زمان ریاست شورا را بر عهده داشت. به نظر می‌رسد اقدام شورا در برگزاری این نشست، حاکی از ضرورت توجه به رابطه تغییرات جوی و امنیت بین‌المللی است.

بخش پنجم: روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی است. ابزار عمده مورد استفاده در این پژوهش، کتابخانه و اینترنت بوده است. در مطالعه و فیش برداری و نگارش از منابع موجود کتابخانه‌ای و همچنین منابع مهم اینترنتی از جمله مقالات معتبر و اسناد جدید جهانی و منطقه‌ای استفاده شده است. به علاوه، به دلیل جدید بودن موضوع تحقیق، تلاش نگارنده



بر آن بوده است تا با استفاده از آخرین منابع موجود ، اعم از کتاب، مقاله و اسناد جدیدترین تغییر و تحولات در این زمینه را بررسی نماید

بخش ششم: تعریف مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

الف) تعریف مفاهیم

۱- صلح

در رابطه با مفهوم صلح تعاریف گوناگونی ارائه شده است و م‌یتوان بیان داشت که سبقه این مفهوم در شرق و غرب تا حدودی متفاوت از یکدیگر است .در غرب، مفهوم صلح با تأکید بر نبود خشونت معنا می شود (صلح منفی)در حالی که تعاریف شرقی بر حضور برخی شرایط جهت تحقق صلح تأکید دارند (صلح مثبت)همچون تعادل، هارمونی، پایداری .درک جهانی از صلح مستلزم تجميع این دو برداشت از صلح خواهد بود رویکرد جدید در مطالعات حقوق بین الملل نیز باید مبتنی بر چنین دیدگاهی باشد و از صلح منفی فراتر رود و در راه صلح مثبت گام بردارد؛ صلح مثبت در یک تعریف ساده، عبارت است از احترام به حقوق بشر و عدالت و پرهیز از خشونت در روابط بی نالملل اعم از خشونت ساختاری یا خشونت مستقیم که علاوه بر جنگ و نزاع، شامل بی عدالتی، فقر، توسعه نیافتگی، آسیب به محیط زیست، عدم بردباری و ... می شود. صلح مثبت در این مقام محقق نخواهد شد، مگر از مجرای فرهنگ سازی برای صلح و آموزش اجتماعی از یک سو و تقویت هنجارهای بین المللی از سوی دیگر .نظام آموزش حقوق بین الملل در هر دو زمینه باید متحول شود تا اولاً حقوق دانانی در این نظام تربیت شوند که مقوله صلح مثبت را به عنوان زیربنایی برای دستیابی به همکاری و همبستگی بین المللی قلمداد کنند و ثانیاً، با رهیافتی متفاوت در جهت نهادینه سازی هنجارهایی گام بردارند که پایداری نظام بین المللی مبتنی بر صلح مثبت را میسر نمایند(عسکری و خسروی ، ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۴۱).



۲- امنیت بین‌المللی

به طور کلی واژه امنیت به نوعی احساس روانی اطلاق می‌شود که در آن به خاطر میرا بودن از ترس، وضعیت آرامش و اطمینان خاطر احساس می‌شود. در مفهوم کلی، امنیت به بر حذر بودن از خطرانی اطلاق می‌شود که منافع و ارزش‌های انسان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. پس از انعقاد صلح وستفالی در سال 1648 و شکل‌گیری نظام دولت-ملت مفهوم امنیت ملی در روابط بین‌المللی مطرح شد و با گذشت زمان و تعمیق روابط بین‌المللی، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز پا به عرصه حیات گذارد. در گذشته امنیت بین‌المللی غالباً در حوزه امنیت نظامی تعریف می‌شد اما امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌شود. به تبع محدود بودن مفهوم صلح، مفهوم امنیت بین‌المللی نیز در گذشته محدود بود و از مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رفت و مبتنی بر امنیت ملی دولت‌ها بود. لذا استقلال و حاکمیت ملی دولت‌ها مهمترین رکن امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد. از منظر این دیدگاه، دولت‌ها، هم منشأ اصلی تهدید تلقی می‌شدند و هم مسئول برقراری امنیت، و تأمین امنیت بین‌المللی نیز منوط به تأمین امنیت ملی بود. اما با آغاز عصر جهانی شدن امنیت بین‌المللی نیز تدریجاً مفهوم وستفالیایی خود را از دست داد. دیگر منشأ بسیاری از تهدیدات نه دولت‌ها بلکه عوامل و اشخاص دیگری تلقی می‌شدند. ماهیت تهدیدات نیز از نظامی به ابعاد دیگری همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تسری یافت. افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، توسعه فقر، تخریب محیط زیست و گرم شدن کره زمین از جمله عوامل تهدید در دنیای معاصر تلقی می‌شوند. همان‌طور که توماس هومر دیکسون^۱ معتقد است: کمبود مواردی چون زمین‌های کشاورزی، آب، جنگل و ماهی علاوه بر تغییرات جوی مانند افزایش دمای کره زمین، تأثیراتی را در مقوله امنیت بین‌الملل به همراه داشته است. کنترل منابع نفتی، عامل اصلی جنگ اول خلیج فارس در سال 1991 به حساب می‌آید. امنیت مشترک مبتنی بر این فرض است که در عصر همبستگی متقابل، هیچ ملتی به

¹ Thomas Homer Dixon



تنهایی نمی‌تواند به امنیت دست یابد. در عصر حاضر برخلاف مفهوم سنتی امنیت جمعی که بیشتر در مقابل تجاوز به کار می‌رفت مفهوم امنیت انسانی رواج پیدا کرده است که به معنای ایمنی از تهدیدات جدی دنیای امروز نظیر گرسنگی، بیماری، ستم‌دگی و آثار و تبعات زیانبار و ناگهانی ناشی از شکل‌زدگی جهان معاصر است که باعث گسترش امنیت جهانی از امنیت دولت‌ها به امنیت انسان‌ها و نباتات و گیاهان شده است (اشرفی، ۱۳۹۲: ۸۷).

بخش هفتم: پدیده گازهای گلخانه‌ای و تأثیر آن بر دمای کره زمین

گازهای گلخانه‌ای شامل بخار آب، گازهای دی‌اکسید کربن، ازن، تروپوسفر، متان، اکسیدنیتروژن و گازهای صنعتی (هالو کربن‌ها) هستند که به جز گازهای صنعتی بقیه گازها در اتمسفر زمین وجود دارند و به طور طبیعی در نتیجه فعل و انفعال‌های کره زمین ایجاد می‌شوند و در مجموع کمتر از یک درصد حجم اتمسفر کره زمین را در بر می‌گیرند این مقدار گاز برای ایجاد پدیده گلخانه‌ای به طور طبیعی دمای زمین را در شرایط مطلوب نگه می‌دارد. در نتیجه افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و افزایش غلظت تاین گازها در اتمسفر زمین طی ۱۰۰ سال گذشته سطح دریاها ۱۰ تا ۲۰ سانتی متر افزایش یافته است این افزایش در نتیجه گرم شدن سیاره زمین است. متوسط دمای زمین طی قرن گذشته ۱/۴ فارنهایت گرمتر شده است و انتظار می‌رود طی ۱۰۰ سال آینده به ۲ الی ۱۱/۵ باز نهایت برسد. همچنین کره زمین یک افزایش دمایی ۰/۷۴ درجه سانتیگراد را از سال ۱۹۰۰ به علت افزایش گازهای گلخانه‌ای تجربه کرده است البته ۷۰ درصد این افزایش طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۴ صورت گرفته است. این افزایش در یک سطح وسیعی طی چند دهه بعد نیز ادامه خواهد یافت. طبق بررسی‌های به عمل آمده هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی تا سال ۲۱۰۰ میانگین دمای کره زمین از ۱/۱ درجه سانتیگراد تا ۶/۶ درجه سانتیگراد خواهد بود. در این بین فعالیت‌های انسانی طی قرن گذشته مقدار زیادی دیاکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای را روانه اتمسفر نموده است. این اقدامات از طریق مصرف سوخت فسیلی برای تهیه انرژی، قطع درختان جنگلی، تغییر رویه‌های صنعتی و کشاورزی صورت پذیرفته است. این تغییرات



کوچک در دمای زمین می‌تواند منجر به خطر بالقوه‌ای در تغییرات آب و هوایی کره زمین شود. شواهد گویاست. تغییرات دمایی همراه با تغییرات در آب و هواست. اقیانوس‌ها و یخچال‌های طبیعی تغییرات زیادی را تجربه کرده است. اقیانوس‌ها گرم‌تر و اسیدی شده‌اند و یخچال‌ها ذوب شده و سطح آب‌ها در حال افزایش است. اثرات دیگر این امر شامل گرم شدن سطح آب دریا، تبخیر بیشتر و تغییر در شبکه غذایی دریایی می‌شود. بالا آمدن سطح آب دریاها موجب بروز رخداد‌های غیرمترقبه نظیر توفان‌های شدید، به زیر آب رفتن بسیاری از سکون‌تگاه‌های ساحلی به ویژه در کشورهای جزیره‌ای می‌شود. سیل و توفان‌های ویرانگر، خشکسالی شدید، بارش‌های شدید، مهاجرت‌های گسترده و خسارت‌های هنگفت اجتماعی و اقتصادی از دیگر پدیده‌هایی است که گرمایش کره زمین می‌تواند جامعه انسانی را در آینده با چالش مواجه سازد (فاضلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲)

بخش هشتم: تغییرات آب و هوایی: علل و پیامدهای آن

گرچه انسان از ابتدای حیات خود همواره محیط زیست پیرامون خود را تحت تأثیر قرار داده و این امر تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است، اما تخریب محیط زیست به دنبال استفاده از انرژی فسیلی و افزایش سریع جمعیت، ابعاد شدیدتر و گسترده‌تر یافته و محیط زیست سالم را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهد. یکی از علل بسیار مهم در تغییرات آب و هوایی، تجمع گازهای گلخانه‌ای در جو زمین است. عقب‌نشینی یخچال‌های قله اورست و اینکه دیگر اقیانوس‌های یخی قطب شمال و جنوب نمی‌توانند منوکسیدکربن را جذب کنند، نشان می‌دهد که ما در آستانه فاجعه تغییرات آب و هوایی هستیم و اگر وضعیت آب و هوایی امروز و اعمال بشر برای تشدید این تغییرات همچنان ادامه پیدا کند، پیش‌بینی شده است که کره زمین در معرض تهدیدات جدی‌تر قرار خواهد داشت که بیشترین آسیب را به فقیرترین کشورهای جهان که از کمترین امکانات برای مقابله با تأثیرات چنین تغییراتی برخوردارند، وارد می‌کند. در این فصل ابتدا در گفتار اول، مفاهیم و مطالعات علمی مرتبط با پدیده



تغییرات آب و هوایی پرداخته خواهد شد و سپس در گفتار دوم، عوامل مؤثر در ایجاد تغییرات آب و هوایی و پیامدهای آن بررسی می‌گردند (ظهوری زنگنه، ۱۳۹۲: ۱۴).

بخش نهم: مهم‌ترین تأثیرات تغییر اقلیم بر امنیت جهانی و حقوق بشر

ممکن است پیامدهای متفاوت تغییرات جوی در حوزه‌های مختلف، بستر وقوع درگیری و مخاصمه را در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورد. این پیامدها تأثیرات متفاوتی روی هر دولت خواهد داشت. شاید برخی دولت‌ها برای مواجهه با نیازهای داخلی، نیازمند مساعدت‌های بهداشت عمومی بوده و برخی دیگر به دلیل تغییرات غیرمنتظره در رژیم تجارت جهانی، شاهد محدودی‌تهایی در صادرات خود باشند. ممکن است برخی دولت‌ها در برابر همسایه قدرتمند خود که خواهان منابع آن‌ها است آسیب‌پذیر شوند. به همین ترتیب و در طول مدتی طولانی، تأثیرات منطق‌های بسیار متفاوت تغییرات جوی می‌تواند روی توزیع جهانی قدرت تأثیر بگذارد و پیامدهای غیرمنتظره‌ای در انتظار امنیت بین‌المللی باشد.

الف) ایجاد بستر برای مخاصمات بین‌المللی

یکی از پیامدهای تغییرات جوی که به نظر می‌رسد بستر مخاصمات بین‌المللی را فراهم آورد، مسئله مهاجرت‌های فرامرزی است. این مسئله همواره یک معضل اصلی و در واقع حل‌نشده در اختلافات بین‌المللی بوده است. تغییرات جوی و تأثیرات اجتماعی حاصل از آن در افزایش جمعیت متمرکز در یک منطقه و در نتیجه، بر افزایش تعداد مهاجرت‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. از سویی با توجه به فقدان قواعد و مقررات خاصی در خصوص این نوع مهاجرت‌ها که می‌توان آن را مهاجرت‌های زیست‌محیطی خواند، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای مخاصمات بین‌المللی به وجود می‌آید. افزایش چشمگیر تعداد پناهندگان جوی یا به عبارت دیگر این فراریان آفتاب و باران منجر به بروز تنش‌های بیشتر یا مخاصمات خشونت‌بار بین کشورها در خصوص مهاجرت‌های کنترل‌نشده خواهد شد. احتمالاً این مهاجرت‌های گسترده، در مدتی کوتاه، برای کشورهای میزبان این پناهندگان مشکل‌ساز می‌شود. امکان دارد که واکنش نسبت به بحران‌های ناگهانی و غیرقابل پیش



بینی، تعارضات مذهبی رو به تزاید، و وقوع خشونت‌های احتمالی و بزهکاری از سوی گروه اقلیت و مهاجر، تنش‌های همیشگی ناشی از مهاجرت را وخیم‌تر سازد.^۱ اختلافات بر سر جبران خسارت‌ها و تأمین مالی نهادهایی که به منظور مدیریت بحران‌های ناشی از حضور پناهندگان به وجود می‌آیند نیز خود نقش بالقوهای را در تشدید این وضعیت ایفا خواهد کرد. اگر افزایش دمای کره زمین همچنان ادامه یابد، مهاجرتهای زیست‌محیطی، یکی از زمینه‌های اصلی مخاصمات بین‌المللی را فراهم خواهد آورد. افزایش تنش‌های سیاسی را نیز می‌توان عامل دیگری در بروز درگیری و ناامنی میان کشورها دانست. در واقع کشورهای درحال توسعه عموماً به دلیل عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های پاسخگویی مناسب به وقایعی که به طور همزمان یا مداوم و در مقیاس وسیع روی می‌دهد، از تأثیرات زیان‌بار تغییرات جوی بیشتر رنج می‌برند؛ در عین حال کشورهای صنعتی که ظاهراً توان رویارویی با این تغییرات را دارند نیز با مسائل و مشکلات دیگری روبه‌رو خواهند شد. کوتاهی کشورهای اخیر که با استفاده بیشتر از سوخت‌های فسیلی مسئولیت بیشتری نیز در تراکم گازهای گلخانه‌ای در جو دارند، در یاری رساندن به کشورهای درحال توسعه برای مدیریت چالش‌های تغییرات جوی، خود منجر به افزایش هرچه بیشتر تنش‌های آتی جنوب‌شمال خواهد شد (موسوی و سادات میر محمدی، ۱۳۹۲: ۹۶).

ب) افزایش مخاصمات و ناامنی‌های داخلی

پیامدهای اجتماعی تغییرات جوی به احتمال زیاد منجر به افزایش ناکامی دولت‌ها در تأمین ثبات و امنیت و در نتیجه وقوع مخاصمات متعدد و پراکنده داخلی خواهد شد.

^۱ برای نمونه، چالش همیشگی اروپا، یکپارچه شدن مهاجرین مسلمان و اثرات آن بر روی افزایش ناکامی است. اروپا که اقامتگاه بیش از ۲۰ میلیون مسلمان است، در سال‌های اخیر تلاش نموده تا گروه‌های در حال رشد خارجی را در درون جامعه ادغام نماید. اما بسیاری از مهاجرین اروپایی به زندگی در اجتماعات موازی که مولد از خودیگانگی هستند ادامه داده و بیشتر در معرض ایدئولوژیهای رادیکال قرار می‌گیرند. بنابراین، همچنان که بر تعداد مهاجرین زیست‌محیطی افزوده میشود، شمار مردم اروپا که شدیداً تحت حمایت دولت‌های شان هستند در حال کاهش است و این خود واکنشها و خشونت‌هایی را بر می‌انگیزد



مخاصمات داخلی پی در پی، قصور سیستم‌های مدیریت بحران بعد از فجایع طبیعی گسترده و شدید و افزایش مهاجرت‌های زیست محیطی، بی‌شک بدون حمایت از سوی پلیس و ظرفیت‌های نظامی، غیرقابل کنترل و مدیریت است و بنابراین سیستم امنیتی کشور را به چالش خواهد کشید. در این زمینه همکاری منسجم بین توسعه و امنیت بسیار سخت خواهد بود چون مدیریت مخاصمات داخلی و بازسازی شرایط مطلوب سابق (البته اگر چنین شرایطی وجود داشته باشد) منوط به وجود حداقل از امنیت است. از سوی دیگر، تجربیات اسفبار حاصل از افزایش مخاصمات داخلی در طول دهه 90 و حجم وسیعی از نیروهای مجهز نظامی که به منظور ثبات و ایجاد صلح برای جوامع ضعیف و ناپایدار باید به کار گرفته شود، حاکی از ناکارآمدی ظرفیت‌های امنیتی سنتی است. ممکن است تغییرات جوی، تأثیرات عمیقی روی اعتبار و کارایی دولت‌ها داشته باشد. مقامات سیاسی که نمی‌توانند چالش‌های ناشی از این تغییرات را مدیریت کنند، حمایت مردم را از دست خواهند داد. ممکن است مردم در برخی موارد برای براندازی حکومت‌ها به روش‌های خشونت‌آمیز توسل جویند به‌ویژه زمانی که فرصت تغییر رهبران از طریق انتخابات، مشروط و محدود باشد. در مواردی حتی ممکن است مردم به گروه‌های غیر دولتی نظیر جنبش‌های مذهبی یا گروه‌های تروریستی روی بیاورند. در واقع جوامعی که در حال گذار از حکومت استبدادی به دموکراسی هستند بیش از دیگر دولت‌ها در برابر بحران‌ها و مخاصمات، آسیب پذیرند. بنابراین جوامع مذکور، در برابر تغییرات جوی، شکننده و آسیب‌پذیرتر بوده و این تغییرات در طول دوره گذار، آنها را تحت فشار مضاعفی قرار خواهد داد (موسوی، سادات میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۹۷).

بخش دهم: بررسی مخاطرات امنیتی مربوط به آب و هوا

۱- تأثیر بر گسترش فقر

وضعیت دارفور در سودان نمونه غیر قابل انکار از تنازع بقا و فقر توانفرسایی است که به دلیل خشکسالی فاجعه‌آمیز دهه ۸۰ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. به نظر می‌رسد تغییرات بلندمدت اقلیم نه تنها به ریزش باران کم‌تر در سودان بلکه در بخش اعظم آفریقا به ویژه در جنوب ناحیه صحرای آفریقا منجر شده است، جایی که زندگی به باران بستگی دارد و خشکسالی به معنای مرگ است. توفان میچ که یکی از قوی‌ترین توفان‌های تاریخ اقیانوس



اطلس است در سال ۱۹۹۸ روی دارد. سرعت این توفان ۳۶۰ کیلومتر در ساعت بود و باعث شد که ظرف دو تا سه روز، در نیکاراگوئه و هندوراس دو متر باران بیارد. در اثر آن غیر از خانه، مدرسه، کارخانه، جاده، پل و غیره ... ۷۰ درصد خاک حاصلخیز هندوراس از بین رفت.

۲- تاثیر بر مهاجرت های درون و برون مرزی

فاجعه بار ترین اثر گرمایش جهانی مهاجرت است. تعداد افراد تحت تاثیر بلایای طبیعی به طور غیر منتظره ای زیاد شده است و به طور متوسط به ۲۳۱ میلیون نفر در سال رسیده است که ۹۸ درصد آن ها تحت تاثیر بلایای مربوط به تغییر اقلیم هستند. در سال ۲۰۰۸ تعداد ۴۲ میلیون نفر در اثر جنگ ها و درگیری های ناشی از تغییرات آب و هوایی مبادرت به مهاجرت و جابه جایی کردند. انجمن نجات نروژ اخیرا نشان داده است که تنها در سال ۲۰۰۸، تعداد ۲۰ میلیون نفر به دلیل فجایع طبیعی ناگهانی ناشی از تغییر آب و هوا مهاجرت کرده اند.

۳- تاثیر بر مرز های جغرافیایی سیاسی

ذوب شدن یخ های قطب شمال، گذرگاه شمال غربی را به عنوان آبراه بین المللی برای کشتیرانی، باز کرده و این راه با دسترسی به منابع غنی، از جمله نفت، آغازگر اختلافاتی در مورد حاکمیت آبراه و ابعاد اکولوژیکی آن خواهد بود. این اختلاف در حال تشدید است زیرا چندین کشور در حال تنظیم لوایح سیاسی و حقوقی برای ارائه به مراجع قضایی و ادعا در مورد بخش های مختلف منطقه (که بعضا هم پوشانی دارد) هستند.

کشور جزیره ای کوچک توالو^۱ در حدود ۳۰ تا ۵۰ سال دیگر ناپدید خواهد شد. اندونزی اعلام کرده که ۲۶ جزیره را بخاطر تغییر اقلیم از دست داده است. بانکوک با جمعیتی بیش از ۱۰ میلیون نفر ممکن است ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر زیر آب برود.

۴- تهدید سلامت بشر و گسترش بیماری های واگیر دار و خطرناک

بر اساس برآورد های سازمان جهانی بهداشت ۱۵۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۰ بر اثر تاثیرات اقلیم جان خود را از دست داده اند. همچنین گزارش هایی مبنی بر مرگ تعداد ۳۰۰ هزار نفر

¹ Tuvalu



بر اساس افزایش مالاریا در سال ۲۰۰۳ وجود دارد. بیش بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰ این تعداد ممکن است به نیم میلیون نفر در سال افزایش یابد (خوش منش و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷-۲۲۸).

۵- تهدید منابع آب غذا

یکی از اصلی‌ترین عواقب گرم شدن کره زمین کاهش تولید کشاورزی و به تبع آن، افزایش رقابت بر سر غله است و به طوری که به ازاء افزایش هر یک درجه حرارت در فصل رشد باروری برنج ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۰۲ گرمای بی‌سابقه و خشکسالی همراه با آن محصول غله هند، ایالات متحده و کانادا را به شدت کاهش داد و غله جهان ۸۹ میلیون تن کمتر از مصرف آن شد. در سال ۲۰۰۶ افزایش درجه حرارت و در پی آن افزایش آفات نباتی موجب نابودی محصولات کشاورزی در استرالیا، اوکراین، آرژانتین و آمریکای شمالی شد و باعث شد که قیمت غلات به اندازه ده سال رشد کند (خوش منش و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷-۲۲۸).

بخش یازدهم: سیر مناظرات بین‌المللی در خصوص تغییرات اقلیمی

اقدامات زیادی در سطح بین‌الملل در خصوص تغییرات اقلیمی در محافل مختلفی صورت پذیرفته که به طور مختصر اشاره‌ای به آن خواهیم داشت:

در اولین کنفرانس آب و هوایی ژنو ۱۹۷۹ بر تغییرات اقلیمی به عنوان یک معضل ضروری مطلق در سطح بین‌المللی اشاره شد که خواستار پیشبینی و توجهات بیشتر دولت‌ها به خطرات آب و هوایی است. در همان زمان برنامه آب و هوایی جهانی با همکاری سازمان هواشناسی جهانی^۱ و برنامه محیط زیست سازمان ملل^۲ و شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی^۳ شروع به کار کرد. یک سری کنفرانس‌های بین‌الدولتی نیز در خصوص تغییرات اقلیمی نیز متعاقب آن تشکیل شد.

^۱ World Meteorological Organization (WMO)

^۲ United Nation Environment Programm (UNEP)

^۳ International Council for Science Union (ICSU)



-در سال 1988 در تورنتو کنفرانس تغییرات جوی با حضور 46 کشور برگزار گردید که در آن ضرورت توسعه یک چارچوب کنوانسیون برای حمایت از آب و هوا احساس شد.

-در سال 1990 دومین کنفرانس جهانی آب و هوا و هیئت بین‌الدولی خواستار معاهداتی برای تغییرات اقلیمی شدند. متعاقب آن مذاکرات مجمع عمومی سازمان ملل پیرامون یک کنوانسیون چارچوبی آغاز به کار کرد.

-در سال 2001 توافقات مراکش به همراه جزئیاتی در خصوص اجرای پروتکل کیوتو توسط اعضای کنفرانس اتخاذ شد که شامل تنظیم ابزارهای مالی و برنامه ریزی جدید و ایجاد یک چارچوب انتقال فناوری بود.

-سال 2007 نقشه راه بالی تنظیم شد. سال 2010 توافقات کنکون و سال 2011 خط مشی دوربان اتخاذ شد.

-سال 2012 اصلاحیه دوحه شامل 1- تعهداتی جدید برای اعضای ضمیمه 1 پروتکل کیوتو اتخاذ شد مبنی بر توافق بر تعهداتی در دوره زمانی تعهد از 2013 تا آخر 2- یک لیست بازبینی شده از گازهای گلخانه‌ای بایستی در دومین دوره تعهدات؛ 2020 توسط اعضا گزارش گردد؛ 3- اصلاحاتی نسبت به چندین ماده پروتکل متعلق به اولین دوره تعهدات و آنهایی که نیازمند به روز رسانی برای دوره دوم تعهدات هستند، اتخاذ شد.

-سال 2013 توافقات ورشو و سال 2014 اجلاس سران لیما در پرو تشکیل شد.

-سال 2015 توافق پاریس در جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار و به عنوان یک نقشه راه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد انعطاف پذیری تغییرات اقلیمی حاصل گردید (فاضلی و همکاران، 1395: 57).

بخش دوازدهم: آینده و دورنمای اقدامات پیشگیرانه تغییرات اقلیمی

رئیس جمهور سنت کیتس و نویس در 28 سپتامبر 2012 مطرح کرد که انرژی پاک بایستی اولویت مطلق جهانی اطلاق گردد. احساساتی که در جلسه انرژی پایدار برای همه ابتکارات



مجمع عمومی منعکس گردید (48-47: uio, 2013). برای جلوگیری از پیشرفت اثرات زیان بار تغییرات اقلیمی، باید یک خط‌مشی اساسی در سطح جهانی اتخاذ و به سرعت عملیاتی شود. برای نمونه، رژیم بین‌المللی تغییرات اقلیمی باید تضمین نماید که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، که یکی از عوامل اصلی بروز این تغییرات است، تا اواسط قرن بیست و یکم، تا نصف آن چیزی که امروزه مشاهده می‌شود کاهش پیدا کند. این خط‌مشی بین‌المللی باید به طور موازی با تغییر در ساختار قدرت در نظم سیاسی جهان همراه شود.

طی یک یادداشت رسمی توسط دولت آلمان در سال 2011، یک طرح کلی ارائه شده بود که چگونگی برخورد شورای امنیت با فرض مسئولیت‌های جدید مربوط به بحران تغییرات اقلیمی پرداخته شده بود. این طرح کلی چندین سناریو برای مواجهه با معضلات ترسیم شده بود: این سناریوها عبارت بودند از: مقابله با تأثیرات افزایش دمایی و بالا آمدن سطح دریاها، چگونگی مواجهه با آوارگان ناشی از تغییرات، چگونگی جلوگیری از وقوع منازعات در بخش‌هایی از آسیا و آفریقا که کمبود غذا مشهود خواهد بود، تشخیص مشکلات جدیدی که شورا می‌بایستی با آنها مواجه گردد. این احساسات را انعکاس داده‌اند؛ با ایراد پیشنهادهایی از قبیل برنامه‌ریزی درست، آمادگی برای فجایع، توسعه یک فهم همگانی برای خطرات ویژه در قبال ملتها و فهم جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل. شورای امنیت بایستی ایجاد موافقتنامه‌های بین‌المللی را تسهیل نماید که دولتها را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای متعهد سازد. چند پیشنهاد دیگر نیز در مجمع عمومی سازمان ملل در همین راستا مطرح شده است. ابزار دیگر سازمان ملل در مقابله با این مسئله، دیوان بین‌المللی دادگستری است که با

اعمال صلاحیت می‌تواند راه حلی بر این موضوع باشد و فصل هفتم منشور نیز می‌تواند ضمانتی برای اجرای آن باشد. کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی نیز به عنوان یکی از سند‌های مهم حقوق بین‌الملل همکاری وسیع کشورها و مساعدت بین‌المللی را خواهان است. با این وصف در خصوص مقابله با تغییرات اقلیمی بهتر است گزینه



نظامی انجام نشود چرا که جنگ ماهیتاً و ذاتاً مضر است؛ چنانکه اعلامیه ریو اذعان می‌دارد که جنگ ذاتاً مخرب است و صلح و توسعه و حفاظت از محیط زیست را به خطر می‌اندازد بنابراین اقدامات نظامی به منظور مبارزه با تغییرات اقلیمی برخلاف اصول حمایتی در معاهدات بین‌المللی تغییرات اقلیمی است و ماده 42 منشور نمی‌تواند راهکار مناسبی برای مقابله با این تغییرات باشد چرا که عدم وجود جنگ و درگیری نظامی میان کشورها به خودی خود تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی است و تنها محدودیتی که شورای امنیت بایستی به آن پایبند باشد محدوده شرایط ماده 39 منشور است (فاضلی و همکاران، ۱۳۶۴: ۶۴)

نتیجه گیری

تغییرات آب و هوایی در نتیجه گرم شدن کره زمین و پیامدهای آن که ناشی از فعالیت های بشر است نه تنها عوامل زیست محیطی بلکه جوامع بشری را با خطر مواجه ساخته است. اگر وضعیت اقلیم امروز و اعمال بشر برای تشدید این تغییرات همچنان ادامه پیدا کند کره زمین در آستانه فاجعه تغییرات آب و هوایی قرار می‌گیرد. بنابراین تغییرات آب و هوایی نگرانی و دغدغه مشترک بشریت است و تأکید بر همکاری جهانی در کنترل گازهای گلخانه ای با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت کشورها و همچنین شناسایی مسئولیت اولیه کشورهای توسعه یافته برای انتشار و مبارزه با گازهای گلخانه ای موردنظر است. آثار تغییرات آب و هوایی به مقوله های زیست محیطی محدود نمانده و ارتباط این تغییرات با صلح و امنیت بین‌المللی در نتیجه امنیت انسانی را مطرح نموده است که نیاز به دخالت نظام حقوق بین‌الملل برای رویارویی با این پدیده را آشکار می‌سازد. به دنبال استفاده از انرژی فسیلی و افزایش سریع جمعیت، ابعاد شدیدتر و گسترده تری یافته و علاوه بر آنکه محیط زیست سالم را در معرض خطر نابودی قرار می‌دهد، امنیت بشری را نیز با خطر روبرو می‌کند. یکی از علل بسیار مهم در تغییرات آب و هوایی، تجمع گازهای گلخانه ای در جو زمین است. عقب نشینی یخچال های قله اورست و اینکه دیگر اقیانوس های یخی قطب



شمال و جنوب نمی‌توانند مونوکسید کربن را جذب کنند، نشان می‌دهد که ما در آستانه فاجعه تغییرات آب و هوایی هستیم و اگر وضعیت اقلیم امروز و اعمال بشر برای تشدید این تغییرات همچنان ادامه پیدا کند پیش بینی شده کره زمین در معرض تشدید خشکسالی، موج گرما، سیلابها، ذوب صفحات یخی و بالا آمدن سطح آب دریاها و به زیر آب رفتن بسیاری از خشکی‌ها خواهد بود، که بیشترین آسیب را به فقیرترین کشورهای جهان که از کمترین امکانات برای مقابله با تأثیرات چنین تغییراتی برخوردارند، خواهد رساند و سبب بروز بحران و در نهایت منجر به درگیری‌های مسلحانه خواهد شد. افزایش گرمای زمین و فرسایش خاک سبب نقل مکان افراد از این مناطق شده و آنان را تبدیل به آوارگان زیست محیطی می‌نماید. جابجایی اجباری زیست محیطی در پی تغییرات آب و هوایی، امنیت انسانی را متأثر می‌سازد؛ از این رو تغییرات آب و هوایی مسئله، نگرانی و دغدغه مشترک بشریت می‌باشد که نیاز به مطالعات و پژوهش‌های بیشتر در مورد علل و پیامدهای تغییرات آب و هوایی و شناسایی آثار فعالیت‌های بشری بر نظام اقلیمی را طلب می‌نماید. بنابراین مسئله تغییرات آب و هوایی در نتیجه گرم شدن زمین و پیامدهای آن تنها مسئله‌ای مرتبط با محیط زیست، نمی‌باشد بلکه مسایل مربوط به صلح و امنیت بشری و ضرورت اجتناب از بحران به دلیل تغییر آب و هوا مطرح است و این امری نیست که در مناسبات متقابل مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا به تمام جامعه جهانی و مرتبط با صلح و امنیت بشری است که نیاز به دخالت نظام حقوق بین الملل برای رویارویی با این پدیده را آشکار می‌سازد و می‌تواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی مبتنی بر ماده 39 منشور ملل متحد به شمار آید. از اینرو شورای امنیت می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ نماید که طبق ماده 25 منشور برای دولت‌های عضو الزام آور باشد. از طرفی از پایان جنگ سرد تا کنون تلاش‌های زیادی برای درک مجدد مفهوم صلح و امنیت انجام شده است و یکی از مهمترین آنها مفهوم امنیت انسانی بوده است که به طرق گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است. اما یک سری ویژگی‌های مشترک در این استفاده‌های گوناگون وجود دارند؛ بدین معنی که در مرکز و هسته این مفهوم، انتقال از امنیت دولت به امنیت افراد به عنوان دغدغه اصلی قرار دارد. امنیت یک ارزش انسانی مهم است و تأمین



امنیت یکی از مهمترین اهداف نظام های حقوقی است. با توجه به بررسی های به عمل آمده در خصوص تغییرات اقلیمی و آثار آن و هم چنین بررسی احتمال بروز درگیری و مهاجرت های انبوه داخلی و خارجی، می توان اذعان داشت که ادامه روند تغییرات آب و هوایی، تهدیدی بر صلح و امنیت بین المللی و همچنین تهدیدی بر امنیت انسانی است و لزوم توجه جهانی به این موضوع را طلب می کند





منابع و مأخذ

منابع فارسی

- خوش منش ، بهنوش ، پور هاشمی ، عباس ، سلطانیه ، محمد ، هرمیداس باوند ، داوود (۱۳۹۱) ، بررسی پیامد های تغییر اقلیم از دیدگاه حقوق بشر ، علوم و تکنولوژی محیط زیست ، دوره هفدهم ، شماره چهار
- ظهوری زنگنه ، آذین (۱۳۹۲) ، نقش شورای امنیت در برخورد با چالش های نوین امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی ، پایان نامه دانشگاه تهران پردیس بین المللی کیش
- فاضلی ، حبیب اله ، نامدار ، علی ، ابراهیم پور ، جواد (۱۳۹۵) ، بررسی تغییرات اقلیمی به عنوان تهدیدی جدید علیه صلح و امنیت بین المللی در دوران پس از جنگ سرد ، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی ، سال پنجم ، شماره بیست و یکم ، صص ۴۹-۶۸
- حسینی ، اسعد ، رضایی بوئش ، فرزاد (۱۳۹۷) ، ضرورت انکار ناپذیری سازگاری و تعدیل تغییرات اقلیمی در ایران ، مرکز بین المللی مطالعات صلح - IPSC
- طیبی ، سبحان ، ضرابی ، مهناز (۱۳۹۳) ، راهبرد های موثر مقابله با تغییرات آب و هوایی تضمین کننده صلح و امنیت بین المللی ، همایش تغییر اقلیم و راهی به سوی آینده پایدار
- احمد نژاد ، مسعود ، افشنگ ، اشکان (۱۳۹۷) ، نقش شورای امنیت در مقابله با تغییرات اقلیمی به مثابه تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی ، کنفرانس بین المللی جامعه و محیط زیست
- موسوی ، فضل الله ، سادات میر محمدی (۱۳۹۲) ، تغییرات جوی ، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی ، مجله حقوقی بین المللی ، شماره ۴۹ صص ۱۶۷-۱۹۴



عسکری، پوریا، خسروی، یلدا (۱۳۹۵)، ضرورت و بایسته های مطالعات صلح از دیدگاه حقوق بین الملل، فصلنامه پژوهش های مطالعات بین الملل، دوره اول، شماره ۲۲ صص ۲۶۶-۲۳۷

اشرفی، داریوش (۱۳۹۲)، تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲

سایت ها :

اندیشکده راهبردی تبیین، (۱۳۹۵)، رژیم سازی توافق پاریس؛ پازلی برای حفظ وضع موجود، برگرفته از www.Tabyincer.ir

منابع لاتین

UIO working paper (2013) The UN Security Council and Climate Change: rising seas levels, shrinking resources and the green helmets, Oslo: Uio Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی